



# تحلیل گفتمان پاره‌ای از اشعار معاصر رضوی و بررسی الگوی ذهنی زیارت و بازتاب عقاید و باورهای مذهبی مردم در این گونه شعری

دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ | بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ | پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

زهرا حامدی شیروان<sup>۱</sup>

## چکیده

یکی از مهم‌ترین راه‌های اشاعه و ترویج فرهنگ مَثُور رضوی، اشعار شاعران جوان و معاصر در این زمینه است. در لابه‌لای این اشعار عقاید و باورها و ایدئولوژی‌های مذهبی شاعران و مردم متجلی است؛ بنابراین تحلیل اشعار رضوی می‌تواند منبع خوبی برای استخراج این عقاید و افکار و ایدئولوژی‌ها باشد. در این نوشتار، از برخی ابزارهای تحلیل گفتمان در راستای تحلیل شعر معاصر رضوی بهره برده شده است. رویکرد اتخاذ شده در این مقاله، رویکرد تحلیل گفتمان ون دایک با تأکید بر دو مؤلفه کلان‌ساختارهای معنایی و معانی محلی است. در تحلیل اشعار ۱۰ محور کلی در کلان‌ساختارهای معنایی به دست آمد که از این میان چند مورد از خصوصیات و ویژگی‌های امام رضا (علیه السلام) و بقیه موارد از خواسته‌ها و صفات زائران آن حضرت هستند که به تفصیل در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها بحث شده‌اند. در همین بخش، نمونه‌هایی از استعاره‌های شناختی و تطبیق حوزه‌های مفاهیم انتزاعی با مفاهیم عینی نیز مشاهده شد. همچنین چهار محور کلی در حوزه واژگان و اصطلاحات به کاررفته درباره امام رضا (علیه السلام) به دست آمد. در نهایت نیز سعی شد الگوی ذهنی زیارت بر اساس این کلان‌ساختارهای معنایی و معانی محلی استخراج شود.

**کلیدواژه‌ها:** تحلیل گفتمان، الگوی ذهنی، شعر معاصر، زیارت، امام رضا (علیه السلام)، کلان‌ساختارهای معنایی، مجموعه شعر «یک کاروان آهو».

## ۱. مقدمه

ایران بزرگ مفتخر به میزبانی مرقد نورانی علی بن موسی الرضا (علیه السلام) است و از میان نام‌های جلیل و جلال ائمه، این امام عزیز همواره در مرتبه و جایگاهی خاص برای ایرانیان قرار دارند. همچنان که شفיעی می‌گوید «از سپیده دم آن روز بی تکرار که این نام عزیز در افق شرقی خراسان بزرگ دمید، حکایات و روایات متعددی را از مؤانست مخلصانه فرهنگ بی‌ریای ایرانی با روایت حضور و شهادتش به هم آمیخت که خود گنجینه‌ای مرصع از زرباورها و سیم اتفاقات آن سفر پرماجرا و آن شهادت غریبانه و شگفت است» (شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۵).

شعر مذهبی (و هر صورت گفتمانی دیگر) نه تنها از کنش‌های اجتماعی فرهنگی تأثیر می‌پذیرد، بلکه می‌تواند بر آن‌ها تأثیرگذار نیز باشد؛ به عبارت دیگر می‌تواند ابزاری برای انتشار عقاید و سازوکارهای مذهبی باشد. در این پژوهش به بررسی پاره‌ای از اشعار معاصر با موضوع امام رضا (علیه السلام) و زیارت آن حضرت پرداخته شده است.

سؤال‌های این پژوهش عبارتند از:

۱. انتخاب واژگان و معانی آن‌ها و همچنین کاربرد استعاره، کنایه و مجاز در اشعار مختلف رضوی چگونه است و نشان دهنده چیست؟
۲. نام‌گذاری و همچنین نسبت دادن صفات و خصوصیات مختلف در این اشعار چگونه است؟
۳. کلان‌ساختارهای معنایی مشترک در اشعار کدام‌اند؟
۴. الگوی ذهنی زیارت مستخرج از کلان‌ساختارهای معنایی چگونه است؟

مجموعه شعر «یک کاروان آهو» کتابی است که به کوشش سید ضیاءالدین شفיעی جمع‌آوری و تدوین شده است. این کتاب شامل گزیده‌ای از شعرها و ترانه‌های سروده شده در قالب‌های مختلف شعری در دو دهه اخیر (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰) است؛ همچنین مقدمه‌ای

(زهرا حامدی شیروان)

مفصل دربارهٔ سرگذشت شعر شیعی از آغاز تا دوران امامت ثامن الائمه (علیه السلام) در آن گنجانیده شده است. با توجه به جامع و کامل بودن اشعار این کتاب، این مجموعه برای تحلیل در این پژوهش در نظر گرفته شده است. یعنی جامعه آماری پژوهش، کل شعرهای موجود در این کتاب است. شایان ذکر است که این کتاب مشتمل بر ۶۹ قطعه غزل و قصیده، ۲۱ قطعه شعر سپید و نیمایی، ۳۰ رباعی و دوبیتی، ۳۹ قطعه در قالب‌های پراکنده، ۱۰ قطعه مربوط به کودک و نوجوان و هفت قطعه تصنیف و آواز است که تمامی این قطعات به دقت خوانده شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نکتهٔ دیگر اینکه در زمینهٔ بررسی و تحلیل اشعار رضوی پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است. از جمله این پژوهش‌ها، مقاله‌ای است که به بررسی سیمای امام رضا (علیه السلام) در شعر پارسی (از سنایی تا جامی) پرداخته است. در این پژوهش نتیجه‌گیری شده است که سخن از این امام هم‌امام (علیه السلام) در شعر فارسی از قرن ششم با سنایی آغاز می‌شود و تا روزگار ما ادامه می‌یابد. مطالعهٔ قرن ششم تا نهم شعر فارسی (از روزگار سنایی تا جامی) گواه صادقی است بر ستایش امام هشتم (علیه السلام) از سوی شاعران بزرگی چون سنایی، خاقانی، ذوالفقار شروانی، عارف تونی، نسیمی و جامی که سند افتخار شاعران فارسی زبان و مردم ایران زمین است (هادی، ۱۳۸۸: ۱۵۵ - ۱۷۰).

## ۲. مفاهیم نظری پژوهش

مک دانل (۱۳۸۰: ۵۶) گفتمان را «پدیده، مقوله یا جریانی اجتماعی می‌داند». به تعبیر بهتر گفتمان جریان و بستری است که دارای زمینه‌ای اجتماعی است.

در تعریفی دیگر، اصطلاح «سخن» برای گفتمان به کار برد شده و گفتمان به منزله «فرایندی است که طی آن کلیهٔ عوامل حاکم بر کاربرد زبان در بین انسان‌ها شامل عوامل متنی، اجتماعی، فرهنگی، بین شخصی و غیره برای شکل‌گیری و تبلور پیام به تعامل می‌پردازند» (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۱).

در میان تعاریف فراوان و گاهی متضادی که دربارهٔ گفتمان توسط صاحب‌نظران حوزه‌های

مختلف بیان شده، باربارا جانستون<sup>۱</sup> تقسیم‌بندی دوگانه‌ای درباره معنای واژه گفتمان ارائه داده است. او می‌گوید که می‌توان گفتمان را یک اسم غیرقابل شمارش<sup>۲</sup> یا یک اسم قابل شمارش<sup>۳</sup> در نظر گرفت. در این صورت گفتمان به‌عنوان یک اسم غیرقابل شمارش به معنی «نمودهای عینی و واقعی کنش ارتباطی با به‌کارگیری ابزار زبان»<sup>۴</sup> است؛ اگر گفتمان را یک اسم قابل شمارش بدانیم، در این صورت می‌توان آن را به صورت جمع هم به کار برد؛ در این صورت گفتمان یعنی «روش‌های خاص سخن گفتن که منعکس‌کننده طرز فکرهای خاص هستند و همچنین خود نیز آن طرز فکرها را شکل می‌دهند». این روش‌های به‌هم‌پیوسته طرز تفکر و سخن گفتن ایدئولوژی‌ها را می‌سازند و کارشان این است که قدرت را در جامعه به جریان درآورند (جانستون، ۲۰۰۸: ۲).

در نهایت، فرکلاف گفتمان را به معنای «کاربرد زبان به صورت گفتاری یا نوشتاری و همچنین دیگر فعالیت‌های نشانه‌ای مثل تصاویر دیداری (عکس، فیلم و ... ) و ارتباطات غیرکلامی» در نظر می‌گیرد (فرکلاف، ۱۹۹۲: ۶۲).

ارائه تعریف واحدی از تحلیل گفتمان که نوعی گرایش و حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای بوده و وارد رشته‌هایی مثل انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، نقد نو و ... شده، کاری بس دشوار است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت شالوده‌ها و بنیان‌های اکثر تعاریف و نظریاتی که درباره تحلیل گفتمان وجود دارد، ریشه در دو گرایش مهم در زبان‌شناسی یعنی ساخت‌گرایی و نقش‌گرایی دارند. آن‌هایی که تحلیل گفتمان را به‌مثابه «تحلیل زبان فراتر از سطح جمله» در نظر می‌گیرند، ساخت‌گرا هستند و آن‌هایی که گفتمان را به‌مثابه «زبان به‌هنگام کاربرد» می‌دانند، نقش‌گرایند. همان‌گونه که ریچاردسون هم می‌گوید: «تحلیل گفتمان، حوزه‌ای بسیار گسترده است؛ ولی بر خلاف مباحث گسترده در حوزه تحلیل گفتمان، دورویکرد کلی برای تعریف آن وجود دارد: رویکرد اول مربوط می‌شود به گروهی که گفتمان را به‌عنوان

1. Barbara Johnstone

2. A mass noun

3. A countable noun

4. In the medium of language

(زهره حامدی شیروان)

واحد خاصی از زبان در نظر می‌گیرند، مخصوصاً به‌عنوان واحدی فراتر از سطح جمله که همان تعریف ساخت‌گرایان یا صورت‌گرایان از گفتمان است؛ چراکه بر صورتی که زبان به خود می‌گیرد تأکید دارد» (ریچاردسون، ۲۰۰۸: ۱۵).

ولی نقش‌گرایان زبان را فعال در نظر می‌گیرند و می‌گویند تحلیل گفتمان یعنی مطالعه آنچه افراد از طریق سخن و متن انجام می‌دهند. زبان به کار می‌رود تا کارهایی را انجام دهد و چیزهایی را بیان کند که نه تنها به بافت بلافصل‌گوبنده-متن-مخاطب مربوط هستند، بلکه به بافت‌های گسترده‌تر تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی که این کنش ارتباطی را محدود می‌کنند نیز مربوط می‌باشند (همان: ۲۲-۲۵).

استابز<sup>۱</sup> دیدگاهی تلفیقی (ساخت‌گرایانه و نقش‌گرایانه) از تحلیل گفتمان دارد و می‌گوید: «تحلیل گفتمان عبارت است از تلاش‌های انجام شده در جهت مطالعه نظام زبانی فراتر از سطح جمله و گروه و بنابراین مطالعه واحدهای زبانی بزرگ‌تری مثل تعاملات محاوره‌ای یا متون نوشتاری را در برمی‌گیرد. همچنین تحلیل گفتمان، با کاربرد زبان در بافت‌های اجتماعی و به‌ویژه با تعامل یا محاوره بین سخنگویان سروکار دارد» (استابز، ۱۹۸۳: ۱).

عنوانی را که ون‌دایک برای رویکرد خود در نظر می‌گیرد، تحلیل گفتمان اجتماعی-شناختی<sup>۲</sup> است. او برای مطالعه «شناخت» در تحلیل انتقادی گفتمان اهمیت زیادی قائل است. ون‌دایک در رویکرد خود مثلث **جامعه-شناخت-گفتمان** را مطرح می‌کند. گفتمان در این مثلث به معنای یک رویداد ارتباطی<sup>۳</sup> است که شامل تعاملات محاوره‌ای، متون نوشتاری و همچنین حرکات سر و دست، حالات صورت، طرح‌های چاپی، تصاویر و هرگونه دلالت یا تصویرسازی نشانه‌شناختی یا چند رسانه‌ای می‌شود. به همین ترتیب، شناخت در اینجا هم شامل شناخت فردی و هم شناخت اجتماعی می‌شود؛ یعنی عقاید، اهداف، ارزیابی‌ها و احساسات و هرگونه دیگری از ساختارها، فرایندها و بازنمودهای ذهنی درگیر در گفتمان و تعامل را شامل می‌شود.

1. Stubbs

2. Socio\_cognitive Discourse Analysis

3. a communicative event

در نهایت اینکه جامعه هم شامل خُردساختارهای محلی<sup>۱</sup> مثل تعاملات رو در رو می‌شود و هم کلان‌ساختارهای جهانی، اجتماعی و سیاسی مثل گروه، روابط بین گروهی (از قبیل سلطه و نابرابری)، نظام‌های سیاسی، جنبش‌ها، سازمان‌ها، فرایندهای اجتماعی و خصوصیات عام‌تر فرهنگ‌ها و جوامع را در بر می‌گیرد (ون دایک، ۲۰۰۱: ۹۶-۹۹).

ون دایک معتقد است تحلیل گفتمان در سطوح و ساختارهای مختلفی ممکن است. در تحلیل متون نیز می‌توان در سطح آوایی، نحوی، معنایی، سبک‌شناختی، بدیعی، بلاغی، کاربردشناختی، بینامتنی و فرازبانی با توجه به متون منتخب به تحلیل گفتمانی پرداخت (ون دایک، ۲۰۰۱: ۹۸-۹۹). او درباره این که چه ساختارها و واحدهایی باید تحلیل شوند معتقد است که نوع متن و هدف از تحلیل تا حدود زیادی مشخص‌کننده است. در واقع، باید ساختارها و واحدهایی را برای تجزیه و تحلیل برگزید که به موضوع مورد مطالعه مرتبط‌تر باشند.

او که از صاحب‌نظران تحلیل گفتمان است، در تحلیل‌های خود مؤلفه‌ای با عنوان موضوعات<sup>۲</sup> یا کلان‌ساختارهای معنایی<sup>۳</sup> مطرح می‌کند؛ یعنی موضوعات غالب موضوعاتی است که در متون بیشتر به آن‌ها اشاره شده است. او معتقد است تحلیل گفتمان باید با تجزیه و تحلیل این کلان‌ساختارهای معنایی آغاز شود. یعنی با مطالعه «معنای کلی، موضوعات یا مضمون‌ها». این همان چیزی است که گفتمان‌ها (در سطح جهانی) در مورد آن هستند. آن‌ها غالباً عامدانه هستند و آگاهانه توسط گوینده کنترل می‌شوند. آن‌ها (از نظر ذهنی) مهم‌ترین اطلاعات یک گفتمان را محقق می‌سازند، محتوای کلی الگوهای ذهنی رویدادها را بیان می‌کنند و شاید مهم‌تر اینکه آن‌ها نشان‌دهنده معنی یا اطلاعاتی هستند که اکثر خوانندگان آن را به خوبی به خاطر می‌سپارند. کلان‌ساختارهای معنایی مهم هستند؛ چراکه آن‌ها بر بسیاری از دیگر ساختارهای یک گفتمان (مانند انسجام کلی آن) مؤثر هستند و همچنین بارزترین تأثیرات را بر (حافظه و در نتیجه بر اعمال) مخاطبان

1. Local microstructures
2. Topics
3. Semantic Macrostructures

و در نهایت بر فرایند تولیدگفتمان دارند(همان، ۲۰۰۲: ۶۸).

بعد از این، مؤلفه دیگری را که ون دایک مطرح می‌کند، معانی محلی<sup>۱</sup> است؛ یعنی مطالعه معانی واژه‌ها، ساختار و محتوای گزاره‌ها، انسجام و دیگر روابط بین گزاره‌ها مانند معانی ضمنی، پیش فرض‌ها و غیره(همان: ۶۹).

معانی محلی از این جهت مهم هستند که تابع انتخاب انجام شده توسط گویندگان / نویسندگان در الگوهای ذهنی خود از وقایع یا دانش عام و ایدئولوژی‌های آن‌ها هستند. آن‌ها همچنین نوعی از اطلاعات هستند که (تحت کنترل کلی موضوعات عام بوده) به‌طور مستقیم بر الگوهای ذهنی و در نتیجه بر نگرش و عقاید مخاطبان تأثیرگذارند. این معانی همراه با موضوعات به‌خوبی توسط مخاطبان به خاطر سپرده شده و بازتولید می‌شوند و از این رو بارزترین عواقب اجتماعی را خواهند داشت(همان: ۶۹). از نظر او الگوهای ذهنی معنایی، نموده‌های انتزاعی ذهن وقایع و موقعیت‌هایی هستند که توسط گفتمان مشاهده شده، در آن‌ها شرکت به عمل می‌آید یا به آن‌ها ارجاع می‌شود(همان: ۶۵). ون دایک همچنین ایدئولوژی را باورهای مشترک، اساسی و بدیهی گروه‌های اجتماعی خاص (مانند سوسیالیسم، نئولیبرالیسم، فمینیسم، (ضد) نژادپرستی، صلح‌پرستی و غیره) تعریف می‌کند(همان: ۶۵).

شایان ذکر است استعاره در اینجا معنایی فراتر از استعاره ادبی است که تنها جنبه زیبایی‌شناسانه دارد، بلکه «هنگامی که ما موضوعی را با کاربرد یک استعاره و نه دیگری به تصویر کشیده و بیان می‌کنیم، واقعیت را به همان روش و نه روشی دیگر می‌سازیم»(فرکلاف، ۱۹۹۲: ۱۹۵).

استعاره در اینجا به‌عنوان روشی در نظر گرفته می‌شود که به‌وسیله آن یک حوزه ذهنی<sup>۲</sup> بر اساس اصطلاحات و مفاهیم حوزه‌ای دیگر به تصویر کشیده و مفهوم‌سازی می‌شود. یعنی به‌طور خلاصه استعاره عبارت است از «تطابق بینا حوزه‌ای<sup>۳</sup> در نظام

1. Local meanings

2. Mental domain

3. Cross-domain mapping

مفهومی<sup>۱</sup> (لیکاف، ۱۹۹۲: ۱). معمولاً در استعاره از مفاهیم و اصطلاحات یک حوزه ملموس و عینی برای مفهوم‌سازی و توصیف یک حوزه یا تجربه انتزاعی بهره گرفته می‌شود.

### ۳. تجزیه و تحلیل اشعار

با توجه به زیاد بودن تعداد نمونه‌ها، در این بخش تنها نمونه‌هایی از اشعار آورده و تحلیل می‌شوند. در بخش کلان ساختارهایی معنایی تمرکز بر مفاهیم و معانی انتزاعی و معنوی خواهد بود.

#### الف- بررسی کلان ساختارهای معنایی مشترک در اشعار

##### ۱. غم و غصه و گرفتن دل

دیشب به یاد آن مه تابان گریستم      بگرفته دل، چو ابر بهاران گریستم  
چون آسمان خاطر من غم گرفته بود      با دانه‌های اشک، چو باران گریستم

(شعر از نصرالله اربابی در شفيعی، ۱۳۸۸: ۹۷)

در این آستان عقده وا می‌شود      دل از قید غم رها می‌شود

(شعر از سیدمحمد خسرونژاد، در شفيعی، ۱۳۸۸: ۱۰۷)

در این ابیات برای نشان دادن مفهوم انتزاعی گرفتن دل، از مفهوم عینی گرفتن آسمان بهره گرفته شده است و گریه با باران همانند شده؛ همان‌طور که پس از باران آسمان باز می‌شود، پس از گریه نیز آسمان دل باز می‌شود.

باز آهوی دلم زار و اسیر غم‌هاست      ضامنم باش که تو حامی انسان هستی  
دل اسیر خم و دارم از تو امید نجات      ای که تو، ضامن آهوی بیابان هستی

(شعر از فاطمه ناظری در شفيعی، ۱۳۸۸: ۱۳۲)

در این دو بیت، حوزه انتزاعی غمگینی و غصه‌دار بودن با حوزه عینی اسیر بودن برابر شده است و از امام رضا (علیه السلام) درخواست می‌شود که ضامن این اسیر شود و او را از بند غم

1. Conceptual system

(زهرآ حامدی شیروان)

رها کند. در اینجا با استعاره شناختی مواجه هستیم؛ یعنی غمگینی برابر است با اسیری و دربند بودن.

درمانگه درد هر طبیبی ای دوست  
دل‌های شکسته را شکیبی ای دوست  
(شعر از سعید بیابانکی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۸۳)

یا ضامن آهو دل من بی تاب است  
دریای غم عشق تو بی پایاب است  
در غربت جان من، نصیب از غم عشق  
چشمی است که چون زورق دل، بر آب است  
(شعر از حمدالله رجایی بهبهانی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۸۵)

آمدو با دلی تنگ و خسته  
تا به پای ضریحت بمیرم  
(شعر از علیرضا حکمتی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۲۰۵)

گفت مرا غم که مشو ناامید  
گوش کن از هاتف غیب این نوید  
غمزده را مونس و غمخوار هست  
بهره دل خسته پرستار هست  
هست طبیبی که دمش کیمیاست  
بقعه او شهره به دارالشفاست  
(شعر از محمود شاه‌رخی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۲۱۶)

دستگیر از روی رحمت این ز پا افتاده را  
تا شود با لطف تو از ورطه محنت رها  
(شعر از محمد شاه‌رخی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۲۱۵)

اینجا غریبان آشنایی خسته دارند  
در توشه‌ها دردل سر بسته دارند  
(شعر از سید محمد سادات اخوی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۳۱۳)

## ۲. درمان و شفا بخشی امام رضا (علیه السلام)

شاه‌ها به شفاخانه تو روی نهادم  
بیمار گنه را تو طبیبی و تو دارو  
(شعر از حبیب چایچیان در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۰۴)

در این بیت مفهوم انتزاعی گناه و گناه کردن به صورت بیماری و بیمار شدن در نظر گرفته شده است که دارو و طبیب آن امام رضا (علیه السلام) است؛ یعنی در این استعاره گناه برابر است با

بیماری و همچنین توبه و پرهیز از گناه برابر است با شفا و بهبود آن بیماری.

اگر دردمندی، بدین در بیا                      که درد تو اینجا، دوا می‌شود

(شعر از سیدمحمد خسرونژاد در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۰۷)

هست طبیبی که دمش کیمیاست                      بقعه او شهره به دارالشفاست

(محمودشاهرخی)

ملجأت ار شاه خراسان شود                      مشکل درمان تو آسان شود

(محمودشاهرخی)

به انتظار شفاعت

به انتظار شفا

به انتظار رهایی است،

که بندهای گره خورده نخی

نایلونی

الیاف مادی پندار را

از هم دریده

خود را به پای پنجره افکنده اند...

(شعر از طاهره صفارزاده در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۵۵)

درمانگه درد هر طبیبی ای دوست                      دل‌های شکسته را شکیبی ای دوست

(شعر از سعید بیابانکی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۸۳)

هر که درد خود پی درمان به درگاهش برد                      کی شود مأیوس از دارالشفاء مرهمش

(شعر از عباس براتی‌پور در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۸۳)

سعی در این مروه، صفا می‌دهد                      خاک بهشت است، شفا می‌دهد

(شعر از مهدی بیاتی ریزی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۹۹)

آستانات قبله جان، بارگاہت کوی عشق                      صفهات بیت السرور و قبهات دارالشفاء

(شعر از محمود شاهرخی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۲۱۵)

(زهره حامدی شیروان)

خود غریب است و طیب و ملجأ در ماندگان  
درد مهلک را دوا با اذن داور می‌کند  
(حسین فولادی)

در این بیت سه مفهوم غریبی، پناه، درمان در کنار یکدیگر آمده‌اند.

### ۳. پناه آوردن به درگاه امام رضا (علیه السلام)

در نمونه‌های زیر مشاهده می‌شود که یکی از موضوعات اصلی اشعار پناه آوردن همه افراد به درگاه امام رضا (علیه السلام) است و اینکه ایشان نیز بی‌دریغ به همه آن‌ها پناه می‌دهد و حرم امن ایشان پناه‌گاه و مأوایی برای همه بی‌پناهان و درماندگان است.

ز دست هوس‌ها چو من افتاده‌ام از پا  
اینجا به پناه آمده‌ام ای ضامن آهو  
(شعر از حبیب چایچیان در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۰۴)

ای آستان قدس تو تنها پناه من  
بر خاک باد پیش تو روی سیاه من  
(شعر از سید عبدالله حسینی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۰۵)

تو همیشه غریبان را  
پناه می‌دهی  
ای غریب آشنا  
ای آشنای غریبان

(محمدعلی حضرتی)

سرگشته‌ام ای دوست، امان ندهی؟  
راهی به شکوه آستانم ندهی؟  
(شعر از حمدالله رجایی بهبهانی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۸۵)

در این دنیا که هر کس را پناهی است  
پناه آورده کوی تو باشم  
(شعر از عباس سجادی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۲۵۱)

آوارگی‌ام زیر سر گندم بود  
افتادن از مرتبه هفتم بود

- تنها جایی که راه پیدا کردم در روی زمین نشانی هشتم بود  
(شعر از اسماعیل سکاکی در شفیع، ۱۳۸۸: ۱۸۶)
- رضایم بر رضایت ای رضا جان پناه بی پناهان ماه هشتم  
(شعر از کاظم کامران شرفشاهی در شفیع، ۱۳۸۸: ۱۸۷)
- پناه آورده کوی رضایم سراسر حاجت و از عشق لبریز  
(شعر از کاظم کامران شرفشاهی در شفیع، ۱۳۸۸: ۱۸۸)
- مارا ز در خویش مران، یا مولا! کز بهر شفاعت، به پناه آمده‌ایم  
(شعر از محمدرضا کوزه‌گر کالجی در شفیع، ۱۳۸۸: ۱۸۹)
- رضا شهنشه خوبان علی بن موسی ابوالحسن که حریمش پناهگاه بود  
(شعر از علی اکبر پیروی در شفیع، ۱۳۸۸: ۲۰۰)
- امام ثامن و ضامن که آستانه او پناه مردم بی پشت و پناه بود  
(شعر از علی اکبر پیروی در شفیع، ۱۳۸۸: ۲۰۰)
- نی فقط خاک خراسان ایمن از الطاف اوست عالمی آرام گیرد در پناه پرچمش  
(شعر از عباس براتی‌پور در شفیع، ۱۳۸۸: ۱۹۷)
- تا یافتم به کوی رضا مأمّن آسوده از حوادث دورانم  
(شعر از محمدحسن بهجتی در شفیع، ۱۳۸۸: ۱۹۴)
- از دست غم نجات نیابم مگر پناه سوی حریم زاده پیغمبر آورم  
(شعر از محمدحسن بهجتی در شفیع، ۱۳۸۸: ۱۹۴)

#### ۴. غریبی و غربت و غریب‌نوازی

غریبی و غربت از مفاهیمی است که در اشعار معاصر به شدت موج می‌زند؛ این مفهوم «اگرچه بیشتر، تداعی گر روزگاری است که بر امام رضا (علیه السلام) در ایام واپسین عمر رفت،

(زهره حامدی شیروان)

اما مردم و شاعران به ظرافت و هوشمندی، از این صفت حضرت برای شرح حال خود و روزگارشان بهره‌ها می‌برند و گره‌ها از حال و کار خویش می‌گشایند» (شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۷) در بخش‌های منتخب زیر از اشعار نیز این مفهوم متجلی است:

ای غربت مجسم تاریخ، ای امام  
ای خاک‌های مرقد تو، بوسه‌گاه من  
(شعر از سید عبدالله حسینی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۰۵)

در دل غربت و تنهایی خویش  
با عذابی سنگین  
سخن می‌گفتم  
و دعا می‌کردم، در صحن حرم...

(شعر از اکبر بهداروند در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۴۱)

کدام شانه مرا تحمل می‌کند،  
تا بیاویزم  
غربتم را  
به ضریح روشن تو...

(شعر از شهرام مقدسی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۷۶)

در این بیت نیز شاعر غربت خود را بیان می‌کند و اینکه می‌خواهد غربتش را با رفتن پیش امام رضا (علیه السلام) و همدردی با او، برطرف کند.

سلام بر تو که غربتت بهانه غزل‌های ناگفته است.

(شعر از شیرین علی گل مرادی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۶۸)

تو همیشه غریبان را  
پناه می‌دهی  
ای غریب آشنا

## ای آشنای غریبان

(محمدعلی حضرتی)

کبوتران حرم غم ندارند.

شیب تو نیز

صعودی است

مرانمی‌سد،

با غریب‌نوازی تو، کنار بیایم

دل - که می‌گیرد -

سراغ تو را می‌گیرد...

(شعر از ابوالقاسم حسین جانی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۴۴)

غریبی،

رشته بلندت دوست

بر گردن زائرانت!

(شعر از ابوالقاسم حسین جانی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۴۴)

با آنکه خودت غریبی ای دوست

تو دست نیاز از غریبان گیری

(شعر از سعید بیابانکی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۸۳)

در توشه‌ها دردل سربسته دارند

اینجا غریبان آشنایی خسته دارند

(شعر از سیدمحمد سادات اخوی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۲۱۲)

## ۵. حاجت خواستن و برآورده شدن حاجت

امام رضا (علیه السلام) همیشه واسطه و شفיעی بین زائران و خدایشان برای در میان گذاشتن حاجت‌ها و خواسته‌هایشان بوده‌اند که این موضوع نیز به‌خوبی در نمونه‌های زیر مشهود است.

که حاجت در اینجا روا می‌شود

حریم علی بن موسی الرضاست

(زهره حامدی شیروان)

(شعر از سید محمود خسرو نژاد در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۰۷)

دل بسته‌ام به بقعه گیسو طلایی ات      دستی برای چیدن حاجت کجا برم

(شعر از پریوش عصفوری در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۱۸)

در این بیت مفهوم انتزاعی حاجت و حاجت گرفتن به صورت عینی با میوه و چیدن میوه بیان شده است؛ یعنی بارگاه امام رضا علیه السلام برابر است با درختی که میوه‌های آن حاجت‌های مردم هستند و هر کسی با می‌تواند میوه (حاجتش) را بچیند.

این غمین همشهری پیرت

این غریب ملک ری، دور از تو دلگیر است،

با تو دارد حاجتی، که بی‌شک از تو پنهان نیست.

(شعر از مهدی اخوان ثالث در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۳۷)

در این بخش از شعر اخوان علاوه بر مفهوم حاجت خواستن، مفاهیم غریبی و غربت و غمگین بودن نیز وجود دارند.

پناه آورده کوی رضایم      سراسر حاجت و از عشق لبریز

(شعر از کاظم کامران شرفشاهی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۸۸)

یا که ای ضامن آهو، از تو      حاجتم را اجابت بگیرم

(شعر از علیرضا حکمتی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۲۰۵)

تا بار دیگر روی ماهت را ببینم      با التفاتی حاجت ما را روا کن

(شعر از حوا جعفری در شفיעی، ۱۳۸۸: ۲۰۱)

## ۶. گناه و ناپاکی و توبه

یک موضوع و کلان ساختار معنایی دیگر در این اشعار، آمدن گناهکاران به درگاه امام رضا علیه السلام برای توبه و تطهیر شدن است. افراد به امید بخشوده شدن از دور و نزدیک به حرم می‌آیند و در این حریم امن دل و جان آلوده خود را نشست و شو و صیقل می‌دهند و از امام

رضا علیه السلام می‌خواهند شفیع‌شان باشد و به آن‌ها در داشتن زندگی سالم و بدون گناه کمک کند.

من غرق گناه آمده بودم به حضورت  
مشمول عطایای تو گردیدم و رفتم  
(شعر از زهرا علیزاده در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۱۹)

سیلاب اشک بستر دامن گرفته بود  
غرق گناه عقده‌گشا می‌گریستم  
(شعر از محمدرضا قنبری در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۲۲)

پاک می‌شد ز دلش غصه ناپاکی‌ها  
خادمی داشت در این فاصله جارو می‌زد  
(شعر از علیرضا کاشی‌پور محمدی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۲۷)

حوزه انتزاعی پاک‌شدن از گناه با حوزه عینی پاکیزگی و پاک کردن محیط توصیف شده است.

چهل شب سوختم، آینه باریدم، دعا کردم  
دلی با اشک شستم، نذر دیدار خدا کردم  
(شعر از جلال محمدی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۳۱)

چهل شب زیر باران خیس شد پیراهن روحم  
شدم شفاف و خود را پاک از رنگ ریا کردم  
(شعر از جلال محمدی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۳۱)

در این بیت حوزه انتزاعی گناه و توبه با حوزه عینی رنگ تطبیق داده شده است. انسان گناهکار کسی است که پیراهنش رنگ ریا دارد، ولی وقتی توبه می‌کند این رنگ از او پاک می‌شود و شفاف می‌شود. گناه برابر است با تیرگی و نبود شفافیت و توبه و پاک‌شدن از گناه برابر است با شفافیت و نور. همچنین فرایند انتزاعی توبه‌کردن با حوزه عینی باران تطبیق داده شده؛ یعنی توبه کردن برابر است با باران که ناپاکی‌ها را از پیراهن روح می‌شوید.

دل‌م از کوچه‌های توبه رفت و با خدا پیوست  
من او را بارها هر چند در دوزخ رها کردم  
(شعر از جلال محمدی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۳۱)

(زهرامندی شیروان)

حوزه انتزاعی توبه با حوزه عینی حرکت و سفر برابر شده است. توبه کردن نیازمند حرکت و گذشتن از کوجهاست.

در کوی تو با روی سیاه آمده ایم  
شرمنده و با بار گناه آمده ایم  
(شعر از محمدرضا کوزه‌گر کالجی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۸۹)

جسم و جانم خسته و فرسوده از بار گناه  
در جوار رحمت ای مهربان آورده ام  
(شعر از احمد کمال‌پور در شفיעی، ۱۳۸۸: ۲۲۴)

من کی ام، آنکه بود بار گناهایش بر دوش  
دارم امید که آرام پر یک کاه تورا  
(شعر از احمد مهران در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۲۹)

در این سه بیت حوزه انتزاعی گناه با حوزه عینی بار و کشیدن بار بر دوش مطابق شده است.

«قدسیه» بر لطف تو دارد نظر  
زان که از فرط گنه، شد روسیاه  
(شعر از قدسیه مدنی کاشانی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۳۰)

در این بیت حوزه انتزاعی گناه، با حوزه عینی تیرگی و سیاهی منطبق شده است.

#### ۷. کرم و بخشش امام رضا (علیه السلام)

بخشندگی و کرامت همه ائمه معصومین (علیهم السلام) همواره زبازد بوده است؛ یکی از موضوعات اصلی اشعار رضوی نیز بخشش و کرم امام رضا (علیه السلام) است که نمونه‌هایی از آن‌ها در این بخش مشاهده می‌شود.

و بخشش تو

اعطای خدای سبحان است

وقتی تو می‌بخشی

دست مریخ نیز

## به سوی سقاخانه‌ات

دراز است...

(سیدعلی موسوی گرمارودی)

یک بار سر سفره لطف و کرمت      بنشانم و یک عمر نمک گیرم کن

(شعر از علی اصغر دلیلی صالح در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۸۴)

تا در لحظات غربت، ای کوثر وجود      دستان کریم تو بگیرد دستم

(شعر از حمیدرضا رضایی صوفی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۸۶)

از چشمه حیات بود آبم      وز سفره کریم رسد نانم

(شعر از محمدحسین بهجتی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۹۴)

یگانه قلزم وجودی که دستگاه وجود      ز قطره کرمش یافت حد امکانی

(شعر از محمد علی اصفهانی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۹۳)

تویی که وقت کرامت ز کار بسته خلق      هزار عقده گشایی ز راه پنهانی

(شعر از محمد علی اصفهانی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۹۳)

باران لطفش بر سر همه یکسان بیارد      مولای ما مهمان خود را دوست دارد

(شعر از سید محمد سادات اخوی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۲۱۲)

در بیت بالا نیز لطف و کرم امام رضا (علیه السلام) با حوزه انتزاعی باران برابر شده است. کرم و بخشش امام (علیه السلام) با باریدن باران برابر است.

## ۸. آرامش و شادی روحی و معنوی با دعا و زیارت

یکی از دیگر مضامینی که در اشعار ملاحظه می‌شود، احساس آرامش و شادی، پس از زیارت امام رضا (علیه السلام) و دعا و توسل به ایشان است که در ادامه نمونه‌هایی از آن آورده می‌شود:

(زهره حامدی شیروان)

ملجأت ار شاه خراسان شود      مشکل درمان تو آسان شود  
تا که مرا داد سروش این نوید      در دل پاییزی من گل دمید  
دل ز خزان رست و بهاری شدم      گرم‌نوا همچو قناری شدم  
(شعر از محمود شاه‌رخی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۲۱۷)

ای مرا آرامش جان‌زی، تو جان آورده‌ام      بندگی را در حضورت ارمغان آورده‌ام  
(شعر از احمد کمال‌پور در شفיעی، ۱۳۸۸: ۲۲۴)

نی فقط خاک خراسان ایمن از الطاف اوست      عالمی آرام گیرد در پناه پرچمش  
(شعر از عباس براتی‌پور در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۳)

#### ۹. ضمانت و شفاعت امام رضا (علیه السلام)

دخیل غرفه‌های استجابت می‌شود، عمری      به امید شفاعت دست‌های بی‌پناه من  
(شعر از سید ضیاء‌الدین شفיעی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۱۰)

در کوی تو با روی سیاه آمده‌ایم      شرمنده و با بار گناه آمده‌ایم  
ما را ز در خویش مران، یا مولا!      کز بهر شفاعت، به پناه آمده‌ایم  
(شعر از محمدرضا کوزه‌گر کالجی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۸۹)

ضامن شدی تو آهوی صحرا را      تضمین نمای ببخش عصیانم  
(شعر از محمدحسن بهجتی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۰۲)

ای امام ثامن ضامن ولی کردگار      هست طوف بارگاهت جنت‌الماوای من  
(شعر از محمود شاه‌رخی در شفיעی، ۱۳۸۸: ۱۱۲)

به انتظار شفاعت  
به انتظار شفا  
به انتظار رهایی است،  
که بندهای گره‌خورده نخی

نایلونی

الیاف مادی پندار را

از هم دریده

خود را به پای پنجره افکنده‌اند...

(شعر از طاهره صفارزاده در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۵۷)

دل‌م در بی‌کرات مثل باران شعر می‌بارد و ناگه می‌شود غرق صفایت ضامن آهو

(شعر از محسن وطنی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۳۲)

باز آهوی دل‌م زار و اسیر غم‌هاست ضامنم باش که تو حامی انسان هستی

(شعر از فاطمه ناظری در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۳۲)

چشم دارم که شفاعت کنی ام‌روز جزا نشود دست من از واقعه کوتاه تورا

(شعر از احمد مهران در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۲۹)

هر که بوسد خاک درگاهش ز روی معرفت از کرم او را شفاعت، روز محشر می‌کند

(شعر از حسین فولادی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۲۴)

من بودم و شفاعت مشکل‌گشای تو دستان پر ز مهر تورا سجده می‌برم

(شعر از پریوش عصفوری در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۱۸)

تسکین جان من همه باد از شفاعتش حالی که بر زمان رحیلم صلا دهند

(شعر از بهمن صالحی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۱۴)

تو راضی کن از خود رضا را که او شفیع تو روز جزا می‌شود

(شعر از سید محمود خسرو نژاد، در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۰۷)

هم‌ثامن‌الائمه به دنیا، پناه ماست هم‌روز حشر ضامن ما شیعیان، رضاست

(شعر از حبیب چایچیان در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۰۴)

(زهره حامدی شیروان)

### ۱۰. مشکل گشای بودن امام رضا (علیه السلام)

حل مشکلات و گرفتاری‌های زائران از دیگر کرامات امام رضا (علیه السلام) است که در اشعار رضوی نیز توجه خاصی به این مسئله شده است.

بر ضریحت دخیلی ببندم      تا کنی چاره مشکلم را

(شعر از علیرضا حکمتی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۲۰۵)

به پیشگاه تو آوریم مشکل خویش      گره گشودن از کارها تو بتوانی

مراسم عقده به کار و ز تو مدد جویم      که مشکلات ز تو حل شود به آسانی

تویی که وقت کرامت ز کار بسته خلق      هزار عقده گشایی ز راه پنهانی

(شعر از محمدعلی اصفهانی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۹۳)

کار گشایی که ولی خداست      حجت هشتم لقب اورضاست

(شعر از محمود شاه‌رخی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۲۱۶)

من بودم و شفاعت مشکل گشای تو      دستان پر ز مهر تو را سجده می‌برم

(شعر از پریوش عصفوری در شفیعی، ۱۳۸۸)

بگشای گره ز کار من امشب رضای من      تعبیر کن تو معنی خواب معطم

(شعر از پریوش عصفوری در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۱۸)

بررسی نام‌گذاری و ارجاع: اسامی و صفات به کار رفته برای امام رضا (علیه السلام) در متون

همان‌طور که در ادامه نشان داده می‌شود، صفات و اسامی به کار رفته خطاب برای امام رضا (علیه السلام) بیشتر از چهار حوزه معنایی هستند که نمونه‌هایی از هر کدام آورده می‌شود.

### الف - اصطلاحات و واژه‌هایی از حوزه نور و روشنایی

دیشب به یاد آن مه تابان گریستم      بگرفته دل، چو ابر بهاران گریستم

(شعر از نصرالله اربابی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۹۷)

(زهره حامدی شیروان)

ای طلوع هشتم!  
مشرق ما  
از بیکرانه‌ات می‌خندد...

(مریم فتح‌اللهی)

ای ستاره شکوهمند!  
با تو  
باید از بهار گفت ...

(شعر از ایرج قنبری در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۶۰)

خورشید هشتمین آسمان ... (شعر از محمدعلی حضرتی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۴۷)

رضایم بر رضایت ای رضا جان      پناه بی‌پناهان ماه هشتم

(شعر از کاظم کامران شرفشاهی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۸۷)

ای ماه اگر تو سر ز گریبان برآوری      سر بر نیورد ز افق دیگر آفتاب

(شعر از عبدالصمد حقیقت در شفیعی، ۱۳۸۸: ۲۰۳)

تو هشتمین نور شب یلدای مایی      عشق تو در جان و دل من جا گرفته است

(شعر از حوا جعفری در شفیعی، ۱۳۸۸: ۲۰۱)

شمس الشموس هستی و از احسان      پرتو فکن به کلبه احزانم

(شعر از محمدحسین بهجتی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۹۴)

ای قمری صورت و شمسی مآب      ای مدنی برقع و مکی نقاب  
جلوه خورشید سلام علیک      قبله امید سلام علیک

(شعر از مهدی بیاتی ریز در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۹۹)

چون که آمد نزد پدر پور مرتضی      اختر هشتم علی موسی الرضا

(شعر از محمدرضا یاسری در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۳۳)

(زهرامحمدی شیروان)

درود بر تو  
ای هشتمین سپیده

(شعر از سیدعلی موسوی گرمارودی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۷۰)

می رفت تا به زهره هشتم (سیدمحمد فخر موسوی)

ای ستاره شکوهمند  
با تومی توان به روشنی رسید...

(شعر از ایرج قنبری در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۶۰)

ب- حوزه غربت و آشنایی

ای غریب آشنا  
در کجای آسمان دمیده ای...

(شعر از ایرج قنبری در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۶۰)

تو همیشه غریبان را  
پناه می دهی  
ای غریب آشنا  
ای آشنای غریبان

(شعر از محمدعلی حضرتی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۴۷)

ای غریب توس، ما تنها شدیم وارثان روز عاشورا شدیم  
(شعر از سیدمحمد سادات اخوی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۱۲)

ج- حوزه پادشاهی

فرخنده کشوری که تویی شهریار آن آسوده مردمی مه تویی غمگسار آن  
(شعر از خلیل الله خلیلی افغانی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۲۰۶)

سلطان توس شمس الشموس ای که هر سحر      ساید جبین عجز تو را بر در آفتاب  
سلطان دین امام مبین، شاه هشتمین      کز گنبد طلای شد انور آفتاب  
فرمانروای کون و مکان، شاه انس و جان      ای بر در سرای تو فرمانبر آفتاب  
(شعر از عبدالصمد حقیقت در شفیعی، ۱۳۸۸: ۲۰۳)

رضا شهنشاه خوبان علی بن موسی      ابوالحسن که حریمش پناهگاه بود  
(شعر از علی اکبر پیروی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۲۰۰)

بابای من می گفت:

شاه خراسانی

(سارارهنما)

ای شه توس که سلطان سریر دو سرایی      ما سوی الله، همه ظلّ و تو ظلّ خدایی  
نظری هم به گدایی چو من گوشه‌نشین کن      ای که در پادشهی، صاحب ایوان طلایی  
با همه جرم و خطا بر درت ای شاه معظم      آمدم با دوصد افغان و نوا، من به گدایی  
(شعر از سیدمحمدعلی یزدی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۳۳)

گفتند که سلطان غریبانی تو      سلطانی کن، که من غریب آمده‌ام  
(شعر از حمدالله رجایی بهبهانی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۸۵)

فخر «مهران» بود، ای شه که گدای در توست      برگزیدم ز همه کون و مکان شاه تو را  
(شعر از احمد مهران در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۲۹)

#### د- حوزه ولایت

ولی خالق ذوالمن، امین حضرت حق      که جبرئیل از او مفتخر به دربانی  
(شعر از محمدعلی اصفهانی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۹۳)

می‌رفت تا حریم ولایت،      می‌رفت تا به ضامن آهو  
(شعر از سیدمحمدفخر موسوی)

(زهرا حامدی شیروان)

در مولا پناهگاه من است  
جز از این در رجا نمی‌خواهم  
(شعر از بهاءالدین عباسی زنجانی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۱۸)

دست مولا به دل و دست غلامش بر سر چشم او بروی و او چشم به راه پسرش  
(شعر از علی انسانی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۹۸)

آخرین حلقه درهای جهانی مولا!  
درد می‌آید و درمان تو برمی‌خیزد  
(شعر از سیدمحمدحسین ابوترابی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۳۸)

ای امام ثامن ضامن ولی کردگار هست طوف بارگاہت جنت‌الماوای من  
(شعر از محمود شاهرخی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۲۱۶)

باران لطفش بر همه یکسان ببارد  
مولای ما مهمان خود را دوست دارد  
(شعر از سید محمد سادات‌اخوی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۲۱۲)

بیوش جامه تقوی به شیوه بودز  
بنوش جام ولایت به رسم سلمانی  
(شعر از محمدعلی اصفهانی در شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۹۳)

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در بخش پیشین ملاحظه شد، از نظر مفاهیم انتزاعی و معنوی، ۱۰ محور اصلی در کلان‌ساختارهای معنایی مشترک در اشعار موجود بودند که عبارتند از:

۱. غم و غصه و گرفتن دل

۲. درمان و شفا بخشی امام رضا (علیه السلام)

۳. پناه آوردن به درگاه امام رضا (علیه السلام)

۴. غریبی و غربت و غریب‌نوازی

۵. حاجت خواستن و برآورده شدن حاجت

۶. گناه و ناپاکی و توبه

۷. کرم و بخشش امام رضا علیه السلام

۸. آرامش روحی و معنوی با دعا و زیارت

۹. ضمانت و شفاعت امام رضا علیه السلام

۱۰. مشکل گشا بودن امام رضا علیه السلام

که از این میان موارد ۲، ۷، ۹ و ۱۰ از خصوصیات و ویژگی‌های امام رضا علیه السلام هستند و بقیه موارد از خواسته‌ها و صفات زائران آن حضرت و شماره ۴ یعنی غریبی و غربت هم درباره امام رضا علیه السلام و هم مربوط به زائران آن حضرت است.

در بخش نام‌گذاری و ارجاع به امام رضا علیه السلام نیز مشاهده شد که نام‌ها و صفات به کاررفته برای ایشان از واژه‌های چهار حوزه بودند، یعنی حوزه‌های نور و روشنایی، غریبی و غربت، سلطانی و شاهی و ولایت و ولی بودن.

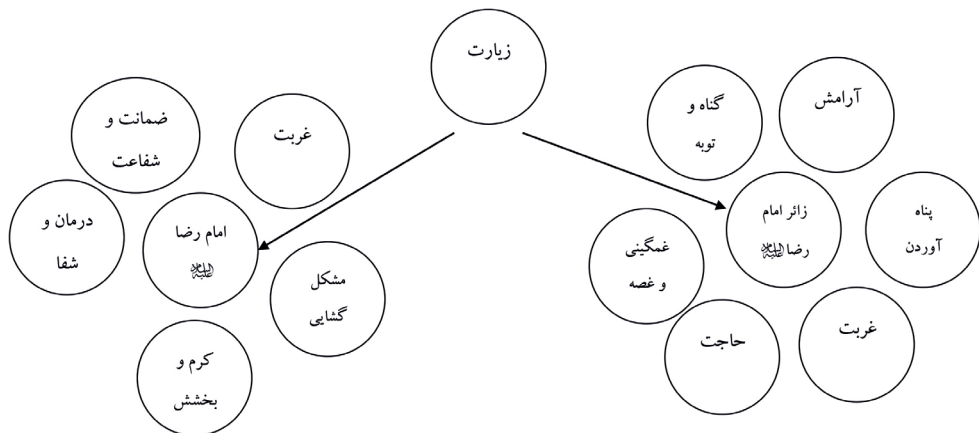
در بخش تحلیل کلان‌ساختارهای معنایی نمونه‌های از استعاره‌های شناختی و تطبیق حوزه‌های مفاهیم انتزاعی با مفاهیم عینی نیز مشاهده شده که در همان جا بدان‌ها اشاره شد؛ از قبیل اینکه گناه همچون باری بر دوش انسان است؛ گناه برابر با تیرگی و سیاهی است؛ گناه نوعی بیماری است؛ غمگینی و غصه‌دار بودن، اسیر بودن است؛ گرفتن دل، همان گرفتن آسمان قبل از باران است و توبه کردن حرکت و سفر است.

با توجه به تحلیل‌های ذکرشده الگوی ذهنی زیارت مستخرج از اشعار این‌گونه است: انسانی که به زیارت امام رضا علیه السلام می‌رود معمولاً غریب است یا در دل احساس غربت و تنهایی می‌کند و با حضرت رضا علیه السلام همدرد است؛ اما در جوار امام رضا علیه السلام احساس غربت و تنهایی او از بین می‌رود و آشنایی چون امام می‌یابد؛ او همچنین غمگین و غصه‌دار است و اسیر غم است و از امام رضا علیه السلام می‌خواهد او را از بند این غم رها کند و از نور ملکوتی خود بر دل و جان تیره از گناه او بتابد و او را از مرض گناه و ناپاکی رهایی بخشد؛

(زهره حامدی شیروان)

معمولاً در دل نیز حاجتی دارد و به لطف و کرم امام رضا علیه السلام چشم دارد. بعد از دعا و زیارت نیز به نوعی آرامش روحی و معنوی می‌رسد و دلش آرام می‌گیرد.

شکل یک. مدل ذهنی زیارت در پاره‌ای از اشعار معاصر فارسی



## منابع و مأخذ

- آفاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۹). *گفتمان و تحلیل گفتمانی*. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان، سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر نی.
- شفیعی، سیدضیاءالدین. (۱۳۸۸). *یک کاروان آهو*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- لطفی پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۱). «درآمدی به سخن کاوی». *زیانشناسی*. سال نهم، شماره اول. صص: ۳۹-۹.
- مجیدی، حسن. (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا (علیه السلام)». *فرهنگ رضوی*. سال اول، شماره ۲. صص: ۴۰-۱۰.
- مک‌دانل، دایان. (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه گفتمان*. ترجمه حسین علی نوذری. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- هادی، روح‌الله. (۱۳۸۸). «سیمای امام رضا (علیه السلام) در شعر پارسی، از سنایی تا جامی». *بهار ادب*. سال دوم، شماره دوم. صص: ۱۷۰-۱۵۵.

- Fairclough, N. (1992), *Discourse and Social change*, Polity: London.
- Johnstone, B. (2008), *Discourse Analysis*, Blackwell publishing.
- Lakoff, G. (1992) "The Contemporary Theory of metaphor" In Ortony, Andrew (ed.) *Metaphor and Thought*, Cambridge: Cambridge University Press .
- Richardson, J. E. (2007), *Analyzing Newspapers: An Approach from Critical Discourse Analysis*, Palgrave Publishing: New York.
- Stubbs, M. (1983), *Discourse Analysis*, Basil Blackwell Ltd: Britain.
- Van Dijk, T. A (2001), "Critical Discourse Analysis" in Tannen, D and others, *Handbook of Discourse Analysis*, Blackwell Publishing: Oxford: 371 – 325.
- Van Dijk, T. A. (2009), *Critical Discourse Studies, A Socio – cognitive Approach*, In Wodak, R. and Meyer, M. (eds) *Methods of Critical Discourse Analysis*. London: Sage, pp. 85-62.

## Discourse Analysis of Contemporary Razavi Poetry: Mental Models of Pilgrimage and the Reflection of Religious Beliefs

Zahra Hamedei Shirvan <sup>1</sup>

Received: December 02 , 2025

Revised: December 21 , 2025

Accepted: December 23 , 2025

### Abstract

One of the most important ways to promote and disseminate Razavi enlightened culture is through the works of young poets and writers in this field. These poetic works reflect the beliefs, viewpoints, and religious ideologies of both the poets and the society they belong to. Therefore, analyzing such poems can serve as a valuable source for extracting these underlying ideas and ideologies. In this article, selected tools of discourse analysis are employed to examine contemporary Razavi poetry. The analytical framework adopted in this study is Van Dijk's model of discourse analysis, with particular emphasis on two major components: semantic macro-structures and local meanings. The analysis of the poems revealed ten general domains within the semantic macro-structures. Some of these domains relate to the characteristics of Imam Reza (AS), while others pertain to the attributes and features of pilgrims. In addition, several instances of cognitive metaphors were identified, in which abstract concepts are mapped onto concrete domains. The findings indicate that, when referring to Imam Reza (AS), four main lexical and conceptual domains are predominantly used. Finally, an attempt was made to extract the mental model of pilgrimage based on the identified semantic macro-structures and local meanings.

### Keywords

discourse analysis, mental model, pilgrimage, Razavi contemporary poetry, Imam Reza (AS), semantic macro – structures, the poetry collection “ a herd of Gazelles”.

---

1. PhD in Linguistics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran: hamedishirvan@gmail.com